

سیاست

افغانستان، خالی از نیروهای امریکایی

شرایط فعلی منطقه خبر دیگری نیز دارد و آن اینکه امریکا در شرق ایران، پایگاه قدیمی خود را از دست داد و نیروهایش را بعد از قریب به ۲۰ سال از افغانستان خارج کرد. امریکا اشغال افغانستان را از زمان دولت بوش آغاز کرد، اوپاما هم علی‌رغم ادعاهای ضدجنگی‌اش همان سیاست را ادامه داد، حتی در دوره ریاست‌جمهوری ترامپ با وجود وعده‌های انتخاباتی‌اش، ۱۰ هزار سرباز امریکایی در افغانستان بودند. اما آغاز دولت بایدن، پایانی بر حضور نیروهای امریکایی در منطقه بود و سرانجام خروج نیروهای امریکایی از افغانستان در ۳۱ اوت ۲۰۲۱ محقق شد. یکی از دلایل تصمیم‌های ایالت متحده برای تغییر شکل حضور خود در افغانستان به نداشتن دستاورد در طول دو دهه برمی‌گردد. ایالات متحده بعد از قریب به ۲۰ سال درک کرد که از نظر نظامی نمی‌تواند در افغانستان پیروز شود و اگر به این وضعیت ادامه دهد، تجربه شکست مفتضحانه شکست شوروی و بریتانیا در افغانستان برایش تکرار می‌شود. ضمن آنکه حضور ۲۰ ساله هزینه‌های سرسام‌آوری را برای ایالات متحده رقم زد. بنابراین در دوره ترامپ، روند مذاکرات سیاسی با طالبان در پیش گرفته شد و به توافقی هم دست پیدا کردند. طی این توافق امریکا به حضور دو دهه‌ای خود در افغانستان بدون هیچ آورده‌ای پایان داد و پایگاه اشغال‌شده توسط امریکایی‌ها در همسایگی شرق ایران آزاد شد.

عراق، همگرا با ایران

عراق دیگر کشور منطقه است که این روزها خبرهای خوبی در راستای اهداف محور مقاومت از آن به گوش می‌رسد. در واقع عراق نزدیک‌ترین کشور از لحاظ بافت فرهنگی و مذهبی به ایران است که معادلات آن به نفع جمهوری اسلامی پیش رفته. بعد از کارشکنی‌های الکاظمی، نخست‌وزیر قبلی عراق، حالا محمد شیاع السوداني نخست‌وزیر جدید عراق شده که اتفاقا به محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران نزدیک است. اوایل آذر امسال هم در دوره مسئولیت جدیدش، سفر مهمی به ایران داشت. نخست‌وزیری که دوتابعیتی نیست و به نوعی خالی از فشارهای خارجی به منطقه و ایران است. این در حالی است که الکاظمی دست‌انداز محور مقاومت در عراق به شمار می‌آمد و این روزها خبرهایی از احتمال صدور حکم بازداشت او به اتهام دست داشتن در ترور سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس دست به دست می‌شود.

دیگر نقطه چالش برانگیز در عراق که این روزها رنگ آرامش به خود دیده، کردستان عراق است. منطقه‌ای که قرار بود اسرائیل دیگری کناردست ایران باشد. اما ایران در پاییز ۱۴۰۱ گروهک‌های کرد تروریستی در کردستان عراق را به علت مداخله در مسائل داخلی ایران و کمک به گروهک‌های تروریستی و مسلح، در چند نوبت زیر ضرب برد.

حضور گروهک‌های تجزیه‌طلب تروریستی در ۵۰ پایگاه تروریستی در دهوک، اربیل، سلیمانیه و کرکوک که همگی در اقلیم کردستان عراق واقع هستند، سبب شده بود که ایران بارها به حکومت مرکزی و رهبران اقلیم کردستان، نگرانی خود را منتقل کند ولی دولت الکاظمی، نخست‌وزیر سابق عراق، توجهی به این موضوع نداشت. اما حالا با حضور شیاع السوداني نوع مراوده ایران با اقلیم تفاوت کرده و به یکی از موضوعات اصلی سفر او به تهران نیز تبدیل شد.

سپاه از حوالی مهرماه پاسخ لازم را به پایگاه‌های تروریستی اقلیم کردستان داد و حتی اعلام کرد در صورت ادامه شیطنت‌های تروریستی این‌اقلیم علیه ایران، به صورت زمینی وارد عمل خواهد شد تا اینکه در آخرین ماه پاییز، شیاع السوداني به تهران آمد و به صراحت از خواسته ایران برای پایان مامشات با این گروهک‌ها حمایت کرد و حتی گفت به ارتش کشورش دستور می‌دهد به مرزهای مشترک ایران و کردستان عراق اعزام شوند تا از ورود گروهک‌های تروریستی به خاک ایران جلوگیری کنند. حالا مناسبات امنیتی و حتی همکاری‌های امنیتی و نظامی بین ایران و عراق بیشتر از همیشه به نفع محور مقاومت در جریان است.

چگونه منطقه غرب آسیا بیش از دو دهه است که صحنه برپایی «ایده مقاومت» و انزوای امریکا است؟

هم در زمان حیات حاج قاسم و هم پس از شهادت ایشان

غرب آسیا تجلی «ایده مقاومت»

سارا عاقلی
دبیر گروه سیاست
Sarah.agheli@gmail.com



«محور مقاومت» است. موضوعی که نشان می‌دهد سرچشمه «محور مقاومت» نه به یک شخص، بلکه به یک مکتب و ایده برمی‌گردد: «ایده مقاومت». برای درک تحولاتی که پس از حاج قاسم در منطقه رقم خورد، در ابتدا باید بدانیم که محور مقاومت و نیروی قدس در طول دو دهه گذشته چه نظامی را در غرب آسیا برپا کرده‌اند. آن هم در شرایطی که در طول ۲۰ سال گذشته این منطقه آستان اتفاقات مهمی بوده است. امریکا سال ۲۰۰۱ ابتدا به افغانستان لشکرکشی نظامی کرد و دو سال بعد یعنی در سال ۲۰۰۳ به عراق حمله کرد. موضوعی که باعث شد شرق و غرب ایران به اشغال امریکا دربیاید. از طرف دیگر سال ۲۰۰۶ جنگ ۳۳ روزه لبنان با رژیم صهیونیستی به وقوع پیوست و از سوی دیگر روند اشغالگری و تجاوز در سال ۲۰۱۱ در سوریه و لیبی و سپس در ۲۰۱۴ با جنگ نیابتی در یمن ادامه پیدا کرد. اما در طول همه این سال‌ها و اتفاقات مختلف، با کنتشگری نیروی قدس به فرماندهی سردار سلیمانی، جزیره ثبات و امنیت منطقه یعنی ایران دچار آسیب نشد و حتی به عنوان «پایگاه مقاومت»، توانست «ایده مقاومت» را تسری دهد و اتمسفر ضدامریکایی و ضداسرائیلی را در منطقه منتشر کند.



سوریه، بازگشت به شرایط عادی

سوریه قرار بود طعمه نیروهای تکفیری شود؛ طی جنگی که از ۲۰۱۱ آغاز شد، جنگی داخلی و فرسایشی با دخالت نیروهای خارجی که در ادامه با پیوستن و سربرآوردن داعش و گروهک‌های تکفیری شکل هولناک و خونینی به خود گرفت. سوریه «از دست رفته» تلقی می‌شد و بشار در حال سرنگونی. اما ورق جنگ سوریه برگشت. محور مقاومت به فرماندهی حاج قاسم، سوریه را از وجود نیروهای تکفیری پاکسازی کرد. در متن نامه حاج قاسم به مناسبت پیروزی جبهه مقاومت و نابودی داعش به قلم ایشان آمده است: «با اتمام عملیات آزادسازی ابوکمال آخرین قلعه داعش با پایین کشیدن پرچم این گروه امریکایی-صهیونیستی و برافراشتن پرچم سوریه، پایان سیطره این شجره خبیثه ملعونه را اعلام می‌کنم...»

حالا این روزها سوریه در حال بازگشت به شرایط عادی است. کشورهای عربی سفارتخانه‌های خود را دوباره در این کشور افتتاح کردند و حتی ترکیه نیز نیروهای خود را از خاک سوریه خارج می‌کند. مهم‌تر اینکه دیدار رسمی اردوغان و بشار اسد نزدیک است. پیش از این هم مدیران دستگاه‌های اطلاعاتی آنها با یکدیگر دیدار داشتند. این در حالی است که ترکیه پیش از این یکی از عوامل ایجاد اختلال سیاسی-امنیتی در سوریه بود. اما حالا معنی این اقدامات این است که نیروهای مختلفی که تصور بازگشت و بقای سوریه را نمی‌کردند، حالا نظم جدید منطقه طبق اراده محور مقاومت را پذیرفته و در حال عادی کردن روابط خود با سوریه مشابه شرایط پیش از جنگ هستند.

گاوشیرده، ناامید از صاحبش

یکی دیگر از اتفاقات قابل تأمل در منطقه غرب آسیا در طول هفته‌های گذشته، حضور چینی‌ها در عربستان بود؛ حضور به‌منظور بستن توافق با دولت سعودی. این اتفاق در حالی رقم خورد که عربستان، متحد قدیمی و گاوشیرده امریکا در منطقه محسوب می‌شود. اما پس از اتفاقات منطقه و انزوای بیش از حد امریکا احساس کرد نمی‌تواند مانند قبل تماماً به امریکا تکیه کند و نیاز به قدرت دیگری دارد تا با آن وارد مراوده شود. چین چنین گزینه‌ای بود که عربستان برای توافق‌های مختلف به سراغش رفت. تفاوت رفتار سعودی‌ها در استقبال از ترامپ و بایدن را می‌توان نتیجه تغییر رفتار آنان در ناامیدی از ایالات متحده تلقی کرد. تا جایی که گاوشیرده امریکا این روزها بدون اجازه از صاحبش، با رقیب تجاری امریکا وارد معامله می‌شود و سعی می‌کند قدرت‌های بزرگ در پشتیبانی از خودش را تنوع بخشد.

حزب الله لبنان، مقابله با زیاده‌خواهی اسرائیل

این در حالی که در کنار همه این اتفاقات، منازعات لبنان و رژیم صهیونیستی بر سر منابع گازی بخش‌های شرقی دریای مدیترانه، سرانجام طبق پیشنهاد حزب‌الله به ثمر رسید. تا پیش از این تنش مرزی میان لبنان و رژیم صهیونیستی بر سر مالکیت دو میدان گازی «قانا» و «کاریش» بالا گرفت و امریکا به بهانه میانجیگری در مسأله مداخله کرد تا بتواند منبعی هرچند کوچک اما پایدار برای رژیم صهیونیستی و در ادامه کشورهای اروپایی درگیر جنگ اوکراین، دست و پا کند. در این میان حزب‌الله لبنان بشدت با زیاده‌خواهی رژیم صهیونیستی مخالفت کرد و در نهایت به رغم تهدیدات اسرائیل خواست حزب‌الله لبنان در توزیع منابع به کرسی نشست.

ادامه مأموریت نیروی مقاومت

اگرچه در طول این چند دهه تلاش‌های بسیاری برای اسرائیلی‌سازی منطقه از طریق عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی صورت گرفت و حتی سعی شد کردستان عراق به اسرائیل دوم تبدیل شود تا هندسه منطقه غرب آسیا به نفع امریکا و اسرائیل تغییر کند، اما یک مانع بزرگ در برابر آنها وجود داشت که ورق را به نفع جبهه مقاومت برگرداند؛ نیروی مقاومت به فرماندهی سردار سلیمانی. نیرویی که با وجود شهادت فرمانده‌اش، مأموریتش به پایان نرسیده و پرتوان‌تر «ایده مقاومت» را در منطقه پیش می‌برد، بر همین اساس است که گفته می‌شود شهید حاج قاسم سلیمانی از سردار قاسم سلیمانی هزار برابر قدرتمندتر است.